

# الرحلة الكربلائية

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش دوم

ذکر ابنیه و بیوتات و متعلقات آستان قدس حسینی:

منارة العبد<sup>۱</sup>

از جمله آثار آستان حسینی رحمته الله منارة کاشی [کاری] بزرگی بود که جنب مدرسه حسن خان واقع شده بود و حقیقتاً منارة شامخه شکيله زیبایی بود و بسیار مرتفع.

۱. منارة العبد در واقع سومین مأذنه بزرگ آستانه حسینی رحمته الله بوده است. این مناره به صورت منفرد در صحن قرار داشته و دارای کاشی کاری ملون بوده است. در مورد ساخت و سازنده این مناره، گزارشهای گوناگونی وجود دارد. یک گزارش همان است که آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله به آن اشاره کرده است. روایت دیگری که آن هم نزدیک به همین روایت است، این است که یک سیاه پوستی در صحن سکونت داشته و دارای شغل کم درآمدی بوده و هر چه را که به دست می آورده، مقتصدانه زندگی می کرده و از این راه ثروتی عایدش شده که به او امکان ساخت این مناره را داده، از این رو به نام «منارة العبد» نامیده شده است. بر مبنای روایتی دیگر که در دائرة المعارف الاسلامیة راجع به کربلا آمده و جعفر خلیلی هم آن را در موسوعة العتبات المقدسة قسم کربلا ۳۶۶/۸ - ۳۶۷، نقل کرده «منارة العبد» همان «منارة مرجان» است که توسط سازنده جامع مرجان در بغداد در سال ۷۶۷ قمری ساخته شده است. مرجان یکی از غلامان سلطان اویس جلایری است که از طرف او به عنوان والی و حاکم عراق انتخاب شده بود، و پس از چندی سر به عصیان برداشت و در بغداد علم استقلال و مخالفت برافراشت، تا آنجا که سلطان اویس با سپاهیان خود از تبریز به بغداد رفت و مرجان شکست خورد و به کربلا گریخت و به حرم حائری ملتجی شد و مدتی که در آنجا بود، نذر کرد که اگر از خشم سلطان در امان بماند و نجات پیدا کند، مأذنه و مناره ای خاص در صحن آستان حسینی رحمته الله بسازد؛ اتفاقاً سلطان اویس، چون دانست که وی به حرم سیدالشهداء رحمته الله ملتجی شده، وی را بخشید و دوباره او را والی و حاکم عراق نمود و او به نذر خود وفا کرد و مأذنه ای ساخت و در اطراف آن مأذنه مسجدی بنا کرد و سپس املاکی را در کربلا، بغداد، عین التمر و رحالیه، وقف آن مأذنه و مسجد

تاریخ آن، این کلمه بود: «انگشت یار» (سنه ۹۸۲ ق) و معروف بود به «منارة العبد» و در السنه مشهور بود که بانی آن غلام و کاکای یک نفر از تجار اصفهان بود که اربابش، وجهی به او داده بود، جهت خرید مال التجارة و او به مجرد ورود به کربلا معلی، دیده بود مأذنه‌ای در صحن مطهر نیست، این مأذنه را ساخته بود و تمام آن وجه را صرف مناره نموده بود و این مناره که از آثار تاریخی مهم بود، در زمان سلطنت غازی<sup>۱</sup> پسر فیصل - ملک عراق - به امر [شخصی] شقی [به نام] یاسین هاشمی که رئیس الوزراء بود، خراب شد و بس که محکم و متقن بود، مدتی مدید مشغول خرابی او بودند و یاسین هاشمی، از

→ نمود و این املاک هم اکنون نیز، به صورت اوقاف این مأذنه و مسجد پابرجاست. از این جهت این مناره و مأذنه به نام «منارة العبد» نامیده شده است. در سال ۹۸۲ قمری شاه طهماسب صفوی این مأذنه و مناره را ترمیم و بازسازی کرد. بی شک این تاریخ را که برخی نسبت به سال ساخت و بنیان این مناره ذکر کرده‌اند، و نویسنده مقاله دائرة المعارف الاسلامیه نیز، چنین توهم کرده است، صحیح نیست و اینکه در ابیاتی چنین آمده است:

ثم تداعی ظاهر المنارة	للعبد واستدعی له العمارة
غمد کفه لها طهماسب	وعمرت بما لها یناسب
وارفت ما بین عجم و عرب	«انگشت یار» یعنی «خنصر الأحب»

این دو جمله «انگشت یار» و «خنصر الأحب» که همان سال ۹۸۲ قمری است، اشاره به سال تعمیر دارد و نه سال بنیان و این مطلب از ابیات اول و دوم به خوبی آشکار است. این مأذنه در طول چندین قرن در انتهای حرم مقدس حسینی علیه السلام وسط قسمت شرقی صحن پابرجا بود، تا اینکه در سال ۱۳۵۶ ق / ۱۹۳۷ م به بهانه اینکه این مأذنه، در آستانه انهدام و کج شدن است، به وسیله یاسین حلمی پاشا - نخست وزیر وقت عراق - منهدم گردید. این مناره از نظر استحکام، بسیار محکم و استوار بود و قطر قاعده آن بیش از بیست متر بود و ارتفاع آن بیش از چهل متر بوده است و مزین به کاشی‌های رنگین. در مورد علت نام‌گذاری آن به «منارة العبد» افسانه‌ای نیز در افواه رایج است که غلام سیاه‌پوستی به عنوان خودکشی خود را از بالای مناره به پایین افکند. البته ممکن است چنین امری صورت گرفته باشد، ولی سبب نام‌گذاری نمی‌تواند از این امر منشأ گرفته باشد. ابیاتی که در تاریخ تعمیر این مأذنه آورده شده از ارجوزه‌ای از شیخ محمد سماوی است: تاریخ کربلا، ص ۲۳۳؛ موسوعة العتبات المقدسة، قسم کربلاء، ص ۱۵۶، ۳۶۶ - ۳۶۷؛ تاریخ الروضة الحسینیة، عبدالحمید الخیاط، ص ۱۵؛ بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء، ۵۵؛ تاریخ مرقد الحسین والعباس علیهم السلام، ص ۱۷۹ - ۱۸۲.

۱. غازی بن فیصل بن حسین بن علی هاشمی (۱۳۳۰ - ۱۳۵۸ ق / ۱۹۱۲ - ۱۹۳۹ م)، پادشاه عراق. او در مکه متولد شد و در سال ۱۹۲۴ م هنگامی که به عنوان ولیعهد عراق انتخاب شد، به بغداد رفت. وی از طرف پدرش - ملک فیصل - برای ادامه تحصیل، به انگلیس فرستاده شد. او پس از دو سال از مدرسه نظامی فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۹۳۳ م، به نیابت از پدرش، هنگامی که او در انگلیس بود، آشوب آشوریان را در عراق به تدبیر و کاردانی فرو نشانند و آرام کرد. پس از مرگ پدرش ملک فیصل، در سال ۱۳۵۲ ق / ۱۹۳۳ م، به عنوان پادشاه عراق، بر اریکه سلطنت تکیه زد و پادشاه عراق گردید و پس از شش سال سلطنت، در ۱۳۵۸ ق / ۱۹۳۹ م در تصادف و حادثه اتومبیل جان باخت و به عقیده برخی او را بدین وسیله کشتند: ملوک المسلمون المعاصرون، ص ۴۷۷؛ الاعلام الشرقیة، ۱/۲۲؛ الاعلام زرکلی، ۱۱۲/۵ - ۱۱۳؛ الدلیل العراقی الرسمى لسنة ۱۹۳۶ م؛ دایرة المعارف فارسی مصاحب، ۱۷۲/۲.

جمله نصاب و اعداء اهل بیت علیهم السلام بود. کارهای او در بغداد، معروف است و بالاخره در سوریا، به درک واصل شد.<sup>۱</sup>

### مسجد رأس الحسین علیه السلام<sup>۲</sup>

از جمله آثار واقعه در آستان قدس حسینی «مسجد رأس الحسین علیه السلام» است در صحن، قریب به «باب السدر»<sup>۳</sup> و مزاری در آن مسجد بود، به عنوان «رأس الحسین» و اخیراً در احداث خیابان فلکه که مشغول او هستند، این اثر هم از بین رفت.

### سنگ مریم

از جمله آثار واقعه در آستان قدس [حسینی] سنگ سیاهی است در طرف بالا سر مبارک، قریب به پیش‌رو و بین عرب‌های بادیه‌نشین معروف به «سنگ مریم» [است] و می‌گویند که حضرت مریم، حضرت مسیح را روی آن سنگ نشانده و غالباً کمرها

۱. یاسین حلمی پاشا بن سید سلمان هاشمی (۱۲۹۹-۱۳۵۵ ق / ۱۸۸۲-۱۹۳۷ م)، نخست‌وزیر عراق. وی در بغداد دیده به جهان گشود و در همان‌جا پرورش یافت، سپس به آستانه و پس از آن به برلین سفر کرد و به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۰۵ م، فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۹۱۶ م با ملک فیصل - پادشاه عراق - ارتباط و آشنایی پیدا کرد و هر دو با هم وارد گروه جوانان عربی شدند که از اهداف آن گروه، آزادی اعراب از زیر یوغ ترک‌های عثمانی بود و همین آشنایی باعث شد که بعدها وقتی فیصل پادشاه عراق شد، دوبار به سمت نخست‌وزیری عراق برسد. در انقلاب بکر صدقی در ۱۹۳۶ م، برکنار شد و به سوریه رفت و در همان‌جا چشم از جهان فرو بست و در دمشق به خاک سپرده شد. او در ایام نخست‌وزیری خویش جنایات فراوانی مرتکب شد: جریده الایام، دمشق، ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۵۵؛ العراق بین انقلابین، ص ۸۲؛ ملوک العرب، ۳۷۰/۲؛ الدلیل العراق الرسمى لسنة ۱۹۳۶ م، ص ۹۴؛ الاعلام زرکلی، ۱۲۸/۸ - ۱۲۹؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام، ص ۱۸۲.

۲. در برخی منابع آمده است که این مسجد چون بالا سر امام حسین علیه السلام قرار دارد، به این نام خوانده شده است و از قدیمی‌ترین مساجد کربلا بوده است. اما در منابع دیگر آمده است که چون در میان این مسجد، مقام «رأس الحسین» قرار دارد، به این نام خوانده شده است. این مسجد در احداث خیابان «حائر حسینی» خراب گردید و اکنون از آن اثری باقی نمانده است: نک: میراث کربلا، تاریخ فرهنگی اجتماعی کربلا، ص ۱۲۳؛ تاریخ جغرافیایی کربلای معلی، ص ۱۳۷ (حاشیه)؛ کربلا فی الذاکرة، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ تاریخ کربلا و حائر الحسین، ص ۲۷۰.

۳. باب السدر یا باب السدره، دری که در سمت شمالی صحن حسینی علیه السلام واقع شده و به بازار و اطراف آن راه دارد. در واقع نام‌گذاری این درب به «باب السدره» به خاطر تلی بوده است که در قدیم به نام «تل السدره» در اینجا قرار داشته که اکنون از این تل اثری باقی نمانده است؛ زیرا در اثر توسعه صحن مطهر، برداشته شده است. براساس روایات این تل تا سال ۱۹۳ قمری و زمان حکومت اولیه عباسیان پابرجا بوده، ولی بعد از آن برای توسعه صحن و تعمیرات مرقد مطهر، از میان برداشته شده است. برخی روایات عامیانه اشارت دارد که نام‌گذاری این درب به «باب السدر» یا «باب السدره» به خاطر درخت سدري بوده که در این قسمت قرار داشته و تا نیمه دوم سده چهاردهم هجری نیز پابرجا بوده است: کربلا عبر التاريخ، ۶۱/۱؛ تاریخ جغرافیایی کربلای معلی، ص ۱۴۳، ۱۴۴؛ میراث کربلا «تاریخ فرهنگی، اجتماعی کربلا»، ص ۵۰.

و پشتشان را به آن سنگ می‌مالند و این حرف واهی و بی‌اصل است. استناد این سنگ به حضرت مریم بی‌وجه می‌باشد. آنچه که از متتبعین و ثقات شنیده شده، در تعمیر دیالمه قبر مطهر را، این سنگ را مجاور لحد شریف دیده‌اند و برداشته، بر دیوار نصب نموده‌اند،<sup>۱</sup> و الله العالم.

مطالبی که لازم است الحاق شود، به قرار ذیل می‌باشد:

فهرست تولیت‌ها و کلیددارهای آستان قدس حسینی و عباسی علیهما السلام؛

چند نفر از آنها به قرار ذیل است:

۱. السید شمس‌الدین احمد الموسوی<sup>۲</sup>، صاحب «شفائا»<sup>۳</sup>، در خارج کربلای معلی

۱. بر اساس گفته کسانی که در کربلا زندگی کرده‌اند و خود از نزدیک شاهد این سنگ بوده‌اند، بر روی این سنگ آیه شریفه «وَهَزِي إِلَيْكَ بِجَذْعِ الثُّخَلَةِ تَسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَيْثًا» (سوره مریم / آیه ۲۵) نوشته بوده است. بر مبنای همین گفته‌ها حدود هفتاد یا هشتاد سال پیش از این، این سنگ وجود داشته؛ اما اکنون از آن اثری نیست و معلوم نیست بر آن چه رفته و به کجا برده شده است. در کتاب *مجالى اللطف بارض الطف*، سماوی در مورد این سنگ مطلبی با عنوان «نخل مریم» آورده است. این شرح: حسین علیه السلام در کنار نخل مریم که بالای سر مبارک قرار دارد، ذبح شد و این مقام عبارت است از محرابی ساخته شده از سنگ‌های مرمر خالص که هر بیننده‌ای خیال می‌کند آینه است. در وسط این محراب سنگ سیاهی است به شکل دایره که قطر آن بیش از چهل سانتیمتر است و خود محراب به شکل دو نخل برجسته از خود سنگ‌هاست. (کربلاء فی الذاکرة، ص ۱۵۸) احتمال دارد این «نخل مریم» همان «سنگ مریم» باشد!

۲. سید ابوهاشم احمد الثانی بن سید محمد الحائری بن ابراهیم مجاب بن محمد عابد بن امام موسی کاظم علیه السلام. پدر وی سید محمد حائری مکنی به «ابوالفائز» نیای سادات «آل فائز» است و سادات «آل فائز» امروزه به چند شاخه «آل طعمه»، «آل نصرالله»، «آل ضیاء‌الدین»، «آل تاجر»، «آل مساعد» و «آل السید امین» تقسیم شده‌اند.

سید محمد حسن آل طعمه گوید: «احمد ابوهاشم در واقع سید محمد بن احمد موسوی ملقب به «ابی طراس» است که به عنوان ناظر بر دژ «عین التمر» و خازن و متولی دو مشهد کربلا و نجف بوده و از جانب امیر عثمان بهادرخان به «امیر محمد شمس‌الدین بن احمد شرف‌الدین» ملقب شده بود و مزارش نزدیک عین التمر قرار دارد که به عنوان «احمد بن هاشم» معروف است و او نیای بزرگ سادات «آل فائز» است.

سید ابراهیم شمس‌الدین گوید: «سید احمد الثانی ناظر «رأس العین» بود و مرقدش در شمال غربی «شفائا» نزدیک رحالیه واقع شده است. وی از طرف امیر تیمور گورکانی (تیمور لنگ) به عنوان ناظر «شفائا» و «رأس العین» انتخاب شد. سید عبدالحسین کلیددار آل طعمه گوید: «در دهه پنجم از سده چهاردهم هجری به زیارت احمد بن هاشم رفتم و با اینکه در میان اعراب بدو، از احترام و منزلت فراوانی برخوردار است؛ ولی هر چه جستجو کردم، مطلبی به دست نیاوردم که هویت وی را کشف کند: *مدینه‌الْحسین* علیهما السلام ملحق مستدرکات السلسله، ۳/۳۱؛ *البيوتات العلوية فی کربلاء*، ۱۲/۱ - ۱۳؛ *بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء*، ص ۱۳۲؛ *کربلاء عبر التاريخ رحلة وصفية ودراسات اثرية*، ۱/۱۹۱ - ۱۹۲؛ *میراث کربلاء*، ص ۹۲ - ۹۳؛ *غایة الاختصار ابن زهره*، ص ۸۸؛ *دائرة المعارف اعلمی*، ۳/۲۵۶؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۱۷ - ۱۱۹.

۳. شفائا یا شفائیة یا شفئیة، منطقه و روستایی در اطراف کربلا که وطن سادات آل فائز در قرون گذشته بوده

که امروز تولیت در ذریه و نسل اوست.

ابن بطوطه در سنه ۷۲۷ [قمری] ذکری از جلالت اولاد او نموده<sup>۱</sup> [است].

۱/۱. السيد محمد علی بن السيد عباس آل طعمة الموسوی،<sup>۲</sup> ایشان در سنه ۱۲۲۵

[ق] نائل به تولیت حرم حسینی [شد].

۱/۲. السيد عبدالوهاب<sup>۳</sup> پسر سيد محمد علی مذکور، تولیت حرمین

→ و در آنجا املاک و باغ‌ها و بوستان‌هایی دارند که معروف به «فانزیات» بوده و تا امروز نیز آثارشان باقی است و اعراب بدو و صحراگرد به خاطر مرقد احمد ابوهاشم، نذورات بسیاری به آنجا می‌برند و منظور از «رأس العین» چشمه آب شفاثا است نه «رأس العین» معروف که همان «عین الورد» واقع بین پل منبج و شهری نزدیک موصل است.

گویا «رأس العین» همان «عین التمر» باشد که به اشتباه «رأس العین» گفته‌اند: البيوتات العلویة فی کربلاء، ۱۲/۱ - ۱۳؛ بغية النبلاء فی تاریخ کربلاء، ص ۳۲؛ موسوعة العتبات المقدسة، قسم کربلاء، ص ۳۱؛ کربلاء عبر التاريخ، ۱۸۰/۱ - ۱۸۱.

۱. رحلة ابن بطوطه، ۲۴۰/۱ چاپ مؤسسة الرسالة بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.

۲. سيد محمد علی بن سيد عباس نقيب الاشراف بن نعمة الله بن يحيى بن خليفة نقيب الاشراف بن نعمة الله بن علامه سيد طعمة علم‌الدين فائزى موسوی. وی از سال ۱۲۱۸ تا ۱۲۳۹ قمری تولیت داشته است و بین سال‌های ۱۲۲۰ - ۱۲۸۲ قمری، چون سدی مقابل حملات و هجوم‌های وهابیان به کربلا ایستادگی کرد و اوقافی در کربلا دارد که به «عیلات» و «بلبیل» معروف است: البيوتات العلویة فی کربلاء، ۲۶/۱؛ تاریخ مرقد الحسين والعباس علیه السلام، ص ۲۱۱؛ هشائر کربلاء و اسرها، ۱۴۳/۱.

۳. سيد عبدالوهاب بن سيد محمد علی بن سيد عباس بن نعمت‌الله بن يحيى بن خليفة بن نعمت‌الله بن سيد طعمة فائزى موسوی، معروف به «آل طعمه» که پس از وفات پدرش و در سال ۱۲۵۵ قمری، تولیت روضه‌ها و حرمین حسینی و عباسی علیه السلام را به عهده گرفت. او در انقلاب و حادثه مناخور که در سال ۱۲۴۲ - ۱۲۴۳ قمری - علیه نجیب پاشا اتفاق افتاد - رهبر این انقلاب در کربلا بود و چون نجیب پاشا بر کربلا مستولی شد، سيد عبدالوهاب فرار کرد و به عشیره خزاعل در فرات پناهنده شد و پس از مدتی کوتاه با حکومت مذاکراتی انجام داد و چون ثابت شد که گنه کار نیست؛ حکومت بلد روز در استان ریالی به او واگذار شد و هرگاه قصد می‌کرد به کربلا بازگردد، یکی از مخالفین وی در آنجا به حکومت می‌رسید. پس از او تولیت حرم‌های حسینی و عباسی علیه السلام به حاج مهدی کمونه واگذار شد و آن در سال ۱۲۵۸ قمری بود. سيد عبدالوهاب پس از آن، تولیت روضه حیدری در نجف اشرف را عهده‌دار شد و او که مہیای سفر به نجف شد، مبتلا به بیماری «وبا» شد و در بین راه درگذشت. جنازه‌اش به کربلا منتقل و در رواق مطهر حسینی به خاک سپرده شد. وی برادر سيد مهدی قزوینی حائری - برادر صاحب الضوابط - بود و همچنین سرسلسله خاندان و سادات «آل وهاب» است: اعيان الشيعة، ۱۳۱/۸؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۲۶/۱ - ۲۷، ۲۷، ۴۲، ۴۹؛ مدينة الحسين، ص ۸۸؛ ومضات من تاریخ کربلاء، ص ۴۴، ۴۷؛ تاریخ مرقد الحسين والعباس علیه السلام، ص ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲؛ هشائر کربلاء و اسرها، ۱۴۳/۱، ۱۴۵؛ تاریخ العراق الحديث، ص ۸۹ - ۹۰؛ موسوعة العتبات المقدسة، قسم کربلاء، ۲۷۹/۱؛ لمحات اجتماعية من تاریخ العراق الحديث، ۱۲۲/۲؛ موارد الاتحاف فی نقباء الاشراف، ۵۲/۱؛ الاسر الحاكمة فی العراق، ص ۳۶۲؛ قمر بنی هاشم، ص ۱۳۱؛ آل طعمة فی التاريخ، ص ۳؛ تسخير کربلاء، حسنی، ص ۴۷.

حسینی و عباسی و حکومت کربلاء، از طرف عثمانی‌ها در سنه ۱۲۵۵ [ق] با او شده [است].

۱/۳. السید جواد بن الحسن بن سلیمان بن درویش آل طعمه،<sup>۱</sup> در سنه ۱۲۹۲ [ق] تولیت حرم حسینی با او شده [است].

۱/۴. السید علی پسر سید جواد<sup>۲</sup> مذکور، در سنه ۱۳۰۹ [ق] تولیت آن حرم با او شده [است].

۱. سید جواد بن سید حسن بن سلمان (یا سلیمان) بن درویش بن احمد بن یحیی بن خلیفه بن نعمت‌الله بن سید طعمه فائزی موسوی مشهور به «آل طعمه». وی پس از مرزه حسن کمونه، به عنوان تولیت آستانه حسینی علیه السلام برگزیده شد. او فردی پاک‌طینت بود و هدایایی که از جانب زوار به او تقدیم می‌کردند، به خدام روضه‌های حسینی و عباسی علیهم السلام می‌بخشید. او در ۱۲۹۲ قمری تولیت یافت و در ۱۳۰۹ قمری درگذشت و در بیرون روضه مبارکه، در محلی به نام «کشکخانه» (=کشیکخانه) به خاک سپرده شد. نام وی در اجوزة سماوی به این صورت آمده است:

ثمّ اعیدت للجواد بن الحسن  
سلانة الحائر بالوجه الحسن

سید محمد علی روضاتی در کتاب خود در فصل مخصوص به شرح احوال اعقاب محمد بن امام موسی کاظم علیه السلام از وی نام برده است: جامع الانساب، ۱۶۸/۱ - ۱۶۹؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۲۷/۱ - ۲۸، ۵۰؛ بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء، ص ۱۶۶؛ منار الهدی فی الانساب، ص ۵۹؛ معالم انساب الطالبین، ص ۱۶۵؛ آل طعمه فی تاریخ، ص ۱۰؛ تراث کربلاء، ص ۳۰۲؛ مدینه الحسین، ۷۶/۱؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام، ص ۲۱۲؛ مجالی اللطف بارض الطف، سماوی، ص ۷۳؛ عشائر کربلاء و اسرها، ص ۱۴۴، ۱۴۵.

۲. سید علی بن سید جواد بن سید حسن بن سلمان (یا سلیمان) بن درویش فائزی موسوی آل طعمه. وی پس از مرگ پدرش در ۱۳۰۹ قمری تولیت و سدانّت حرّمین حسینی و عباسی یافت و تا سال ۱۳۱۸ قمری که وفات یافت در این سمت باقی بود. او از اتقیای اخیار و شب‌زنده‌دار بود و بیشتر اوقاتش را به عبادت در داخل روضه مبارکه می‌گذراند و صبحگاه خود با دست خویش درب‌های حرم را می‌گشود. او نسبت به خویشاوندان خود کریم و بخشنده بود و به افراد ضعیف‌الحال و مریض از بستگان خود و دیگران کمک می‌کرد و بر نهر حسینی در کربلا چندین پل زد. نام وی نیز در اجوزة سماوی آمده است:

ثمّ ابنه العلی ثمّ نجله  
عبدالحسین البرّ بین اهله

فرزندش سید عبدالحسین کلیددار آل طعمه درباره وی گوید: «او پارسا و نیکوکار و عابد و زاهد بود و در سال ۱۲۶۴ قمری که سال جلوس ناصرالدین شاه قاجار بر تخت سلطنت بود، تولد شد و در سال ۱۳۰۹ قمری تولیت یافت و مدت نه سال در این مقام بود و روز پنجشنبه، سوم محرم الحرام سال ۱۳۱۸، چشم از جهان فرو بست و پایین پای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به خاک سپرده شد: بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء، ص ۱۳۸ - ۱۳۹؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۳۸/۱ - ۳۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۰۵۸ (ذیل شرح حال پسرش سید عبدالحسین طعمه حائری کلیددار)؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام، ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ عشائر کربلاء و اسرها، ص ۱۴۴.

۱/۵. السيد عبدالحسين<sup>۱</sup> پسر سيد علي مذکور، در سنه ۱۳۱۸ [ق] تولیت آن حرم را نائل شده و ایشان فعلاً در قید حیات هستند؛ ولی خود را از مقام تولیت خلع نموده و کناره گرفته، مشغول عبادت هستند و از جمله زهاد و عباد سادات محسوب می‌باشند و مردی است فاضل و دانشمند و مورخ. تاریخی برای کربلا تألیف کرده بوده که در غارت کتابخانه ایشان از بین رفته، افسرده شدند.

۱. سيد عبدالحسين بن سيد علي بن سيد جواد بن حسن بن سلمان (یا سليمان) بن درویش بن احمد آل طعمه موسوی فائزی حائری مشهور به «کلیددار» (۱۲۹۹ - ۱۳۸۰ ق / ۱۸۸۱ یا ۱۸۸۲ - ۱۹۶۱ م)، عالم فاضل، ادیب اریب، مورخ مدقق جلیل‌القدر.

وی در کربلا و سال ۱۲۹۹ قمری، دیده به جهان گشود و زیر نظر پدر بزرگوارش تربیت شد و از همان روزگار نوجوانی دوستدار علم و ادب گردید و با بزرگان علما و ادبا همنشین شد و در محضر اهل فضل دانش آموخت و در برخی از علوم و ادبیات مهارت یافت. در سال ۱۳۱۸ قمری، پس از مرگ پدرش، تولیت آستانه حسینی علیه السلام را به عهده گرفت و در عین حال از فراگیری علوم و فنون دست نکشید؛ بلکه به کسب علم بیشتر اهمیت می‌داد تا رسیدگی به مقام تولیت. او اهل تقوا و پارسایی و عبادت و فردی کم‌سخن بود و در اموری که مربوط به خودش نبود و فایده‌ای برایش نداشت، دخالت نمی‌کرد و بیشتر به مطالعه، تفکر و تأمل می‌گذرانید. در سال ۱۳۵۰ قمری، یکسره از مقام و منصب کلیدداری و تولیت به نفع فرزندش، کناره گرفت و به عبادت، اعتکاف و تحقیقات علمی پرداخت و آثار و تألیفات بسیاری پدید آورد که برخی از آنها عبارتند از: تاریخ کربلا به زبان فارسی؛ بغية النبلاء فی تاریخ کربلاء به زبان عربی که به کوشش عادل کلیددار که در مطبعة الارشاد بغداد چاپ شده و گویا در سال ۱۳۴۳ قمری بار دیگر در کربلا به چاپ رسیده است؛ حالة العرب الاجتماعية فی الجاهلیة؛ قریش فی التاریخ؛ بطون قریش؛ تاریخ کربلا که کتابی مفصل و بزرگ بوده و گویا از بین رفته است؛ تاریخ آل طعمه الموسویین؛ ادیان العرب فی الجاهلیة؛ معجم المدن والانهار التاریخية فی العراق؛ تاریخ المعاهد العلمية فی الاسلام؛ نشأة الاديان السماوية؛ ترجمة حياة ابي طالب علیه السلام؛ تاریخ المدن المقدسة فی العراق و مباحثی در زندگانی بعضی از خلفای عباسی، دولت عقلیه و پادشاهان آن، ادبیان علوی در دوره عباسیان و بحث‌هایی در فلسفه و جز اینها که برخی از این آثار چاپ شده و بقیه به صورت منخطوط باقی هستند.

او در کربلا کتابخانه‌ای مهم تأسیس کرد که یکی از کتابخانه‌های درجه اول عراق به‌شمار می‌رفت و هزاران جلد کتاب در آن گرد آورده بود. وی در روز جمعه ۱۲ شوال ۱۳۸۰، چشم از جهان فرو بست و جنازه‌اش در کربلا تشییع و در یکی از حجره‌های صحن امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شد: البيوتات العلوية فی کربلاء، ۳۹/۱ - ۴۰؛ مخطوطات کربلا، ۳۹/۱، ۵۱؛ مستدرکات اعیان الشیعة، ۲۵۹/۵؛ میراث کربلاء، ص ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۱؛ معجم المؤلفین العراقيين عواد، ۲۳۱/۱؛ معجم المؤلفین کحالة، ۵۳/۲؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ص ۱۰۵۸ - ۱۰۵۹؛ تراث کربلاء الفکری، از خود سيد عبدالحسين کلیددار، شامل خاطرات وی؛ الدرعية، ۴۷۴/۱ و ۲۰۵/۲ و ۳۷۷/۶ و ۲۰۰/۱۳ و ۱۰۸/۲۳ و ۱۳۶/۲۴، ۳۸۷؛ منار الهدی فی الانساب، ص ۱۰۸ - ۱۰۹؛ گنجینه دانشمندان، ۳۲۸/۶؛ دلیل الوطن، ص ۱۳۶؛ السائرون علی درب الحسين علیه السلام، ص ۴۴؛ مجالی اللطف بارضی الطف، ص ۷۴؛ الاشواق الحائرة، ص ۸۳؛ مناهل الضرب، ص ۵۶۵؛ الاعلام زرکلی، ۱۵/۷؛ شخصیات ادركتها، ص ۲۲؛ آل طعمه فی التاریخ، ص ۱۰، ۱۷؛ البيوتات الادبية فی کربلاء، ص ۳۷۰؛ عشائر کربلاء واسرها، ص ۱۴۴، ۱۴۹؛ احسن الودیعة، ۲۹۳/۲؛ تاریخ الحركة العلمية فی کربلاء، ص ۱۹۱، ۲۱۹، ۳۰۶؛ معجم رجال الفكر والادب فی کربلاء، ص ۱۱۵؛ ذکری فقید کربلاء، ص ۴؛ تاریخ مرقد الحسين والعباس علیهم السلام، ص ۲۱۳.

- ۱/۶. السید صالح پسر آقا سید عبدالحسین،<sup>۱</sup> متولی فعلی حرم حسینی است.
۲. تا اینجا اسماء کسانی بود که نائل تولیت حرم شدند و همه از یک خانواده بوده‌اند و اما از خانواده معروف به «آل ثابت» کسانی که نائل تولیت شده‌اند:<sup>۲</sup>

۱. سید عبدالصالح بن عبدالحسین بن سید علی بن سید جواد بن حسن بن سلمان (یا سلیمان) بن درویش بن احمد آل طعمه موسوی فائزی حائری کلیددار. وی در سال ۱۳۴۷ قمری تولیت آستانه حسینی علیه السلام را به عهده گرفت و تا سال ۱۴۰۱ قمری / ۱۹۸۱ میلادی، در این سمت باقی بود و سپس بازنشسته شد. او مردی صاحب حزم، عاقل، زیرک و با فرهنگ بود که به دوزبان انگلیسی و فارسی نیز، تسلط کافی داشت.

پس از وی پسرش سید عادل بن عبدالصالح آل طعمه در ۱۴۰۱ قمری / ۱۹۸۱ م، تولیت و سدانیت یافت. او در آن روزگار جوان، اما ادیبی محقق و فاضل بود که دکترای خود را در حقوق از دانشگاه قاهره گرفته بود. وی کتاب جدّ خویش سید عبدالحسین کلیددار به نام: بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء را تحقیق کرده و در سال ۱۹۶۶ م، منتشر نموده است. او دارای مقالات تاریخی زیادی است که در مجلات عراق، چاپ شده‌اند. سید عادل در دوران تولیت با حزم و کفایت، این مهم را به انجام رساند و در سال ۱۴۱۱ قمری / ۱۹۹۱ میلادی، بر اساس حکم جمهوری مقام سدانیت و تولیت آستانه حسینی علیه السلام به عبدالصاحب بن سید ناصر آل نصرالله رسید: عشائر کربلاء و آسرها، ۱/۴۴-۱۴۵؛ مجالی اللطف بارض اللطف، سماوی، ص ۷۳؛ تاریخ مرقد الحسین والعباس علیهما السلام، ص ۲۱۳؛ کربلاء فی التاريخ، ۸۵/۳

۲. در این بخش آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام به معرفی چند تن از شخصیت‌های «آل ثابت» پرداخته که به تولیت آستانه حضرت ابوالفضل علیه السلام رسیده‌اند. تولیت این خاندان به اواخر عهد تیموریان بازمی‌گردد که نخستین شخص از «آل ثابت» به نام سید ثابت بن سلطان کمال‌الدین موسوی به عنوان متولی حرم حضرت عباس علیه السلام منصوب می‌شود که تاریخ تولد، وفات و سال انتصاب او معلوم نیست و دومین شخص، فرزند وی سید ثابت بن ثابت است که تاریخ تولد، وفات و سال تولیت او نیز، معلوم نیست. نیای بزرگ این خاندان ابو محمد عبدالله حائری از سلاله امیر الحاج ابراهیم مرتضی اصغر بن امام موسی بن جعفر علیهما السلام است که در آغاز سده پنجم هجری، از بغداد به کربلا مهاجرت و در آنجا سکونت نمود و او جدّ اعلای خاندان «آل زحیک» است که بعدها به دو شاخه «آل ثابت» و «آل درّاج» تقسیم شده‌اند و برخی از افراد خاندان «آل ثابت» به سدانیت و تولیت آستانه عباسی علیه السلام رسیده‌اند (تاریخ مرقد الحسین والعباس علیهما السلام، ص ۳۰۷-۳۰۸؛ کربلاء فی التاريخ، ص ۸۶؛ عشائر کربلاء و آسرها، ۱/۴۱؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۴).

سید عبدالرزاق آل وهاب در این مورد نوشته است که: در اوایل سده هشتم هجری مجادله‌ها و مناقشه‌هایی میان دو قبیله علوی «آل فائز» و «آل زحیک» بر سر به عهده گرفتن تولیت آستانه‌های حسینی و عباسی علیهما السلام درگرفت و مدتی ادامه یافت تا اینکه «آل زحیک» به قبائل آل مهنا که ساکن عین التمر و رحالیه و حاشیه فرات - نزدیک کربلا - ملتجی شدند و از آنجا به کربلا هجوم آورده و حمله کردند و در سال ۷۵۶ قمری بر کربلا مسلط شدند و همین امر باعث شد که قبیله بنی‌اسد در این امر دخالت کند و برای پایان دادن به این تنازعات پادرمیانی نمودند و نتیجه این شد که تولیت هر دو آستانه را به شیخ علی بن حسین بن علی حائری اسدی، یکی از شاگردان ابن فهد حلی اسدی که از جانب وی اجازه نیز، داشت واگذار کردند و پس از چندی که آرامش برقرار شد و میان دو خاندان علوی صلح و صفا به وجود آمد، تولیت آستانه حسینی به «آل فائز» و سدانیت آستانه حضرت ابوالفضل به «آل زحیک» رسید و در اواخر سده نهم هجری و در دوره حکومت جلائریان و دولت خروف اسود و صفویان، عناصر و نژادهای غیر



۲/۱. السید ثابت بن سلطان کمال الدین الموسوی، در اواخر [عهد] تیموریّه متولی

حرم عباسی بوده [است].

۲/۲. السید ثابت بن ثابت، پس از پدر متولی حرم عباسی بوده [است].

۲/۳. السید کمال الدین بن ثابت ثانی،<sup>۱</sup> در سنه ۹۰۲ [ق] متولی حرم عباسی بوده [است].

→ عرب در کربلا زیاد شدند و در امور روضتین حسینی و عباسی علیه السلام دخالت کردند و قبائل علوی و غیر علوی اجتماع کردند و مقرراتی وضع کردند تا امر تولیت از دست این دو قبیله علوی خارج نشود و بر این اساس چهار فرقه متولی امور خدمت به روضه مبارکه امام حسین علیه السلام شدند که عبارت بودند از: آل طعمه فائزی، آل اشیقر همراه با «آل زحیک»، آل حائری اسدی و بنو غربه که در رأس هر یک از این فرقه‌ها رئیسی به نام «سرکشک» = «سرکشیک» یعنی رئیس فرقه قرار داشت. پس در قرن دهم هجری سدانّت و تولیت آستانه حضرت عباس علیه السلام به برخی از خاندان «آل ثابت» رسید: کربلاء فی التاریخ، ۶۶/۱، ۶۷، ۸۶.

۱. سید کمال الدین بن ثابت بن ثابت بن سلطان کمال الدین موسوی که آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام اشاره کرده‌اند که در سال ۹۰۲ قمری متولی حرم عباسی علیه السلام بوده، در منابع اطلاعی از او به دست نیامد؛ اما منابع نوشته‌اند که نیای بزرگ این خاندان، سید سلطان کمال الدین نقیب النقبای عراق، در سال ۹۵۷ قمری، از سلالة ابو محمد عبدالله حائری است. این دو تاریخ چنان که ملاحظه می‌فرمایید با هم سازگاری ندارند؛ زیرا سید سلطان کمال الدین نقیب النقبای عراق، اگر همان نیای بزرگ خاندان آل ثابت باشد، خود پدر ثابت اول است و سید کمال الدین بن ثابت بن ثابت بن سلطان کمال الدین که آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام نام برده‌اند، نواده سید سلطان کمال الدین است و نمی‌تواند در سال ۹۰۲ قمری تولیت آستان مقدس حسینی علیه السلام را داشته باشد.

سید عادل بن سید عبدالصالح آل طعمه در توضیحاتی که بر کتاب عشائر کربلاء و آسرها نوشته است، در مورد سید سلطان کمال الدین گوید: «اسم پدر وی که ضمن شهود در یک سند ملکی از نیای بزرگمان سید طعمه کمال الدین بن ابی الفائز حسین کربلایی، مورخ ۸۹۵ قمری آمده و مههور به مهر سلطان مظفر یعقوب شده، «ادریس بن جمّاز حسینی» است». بنابراین وی سید سلطان کمال الدین بن ادریس بن جمّاز حسینی است که در سال ۸۹۵ قمری زنده بوده است و از این سند استفاده می‌شود که بزرگان «آل فائز» و «آل زحیک» در سده نهم و اوایل سده دهم هجری، به «حسینی» شهرت داشته‌اند و از آن پس به «موسوی» معروف شده‌اند و گمان می‌کنم و بلکه یقین دارم که «آل جمّاز» که حسین کتابدار در هامش کتاب عمدة الطالب به آن اشاره می‌کند، همان سلالة سید جمّاز بن نعمت الله پدر سید ادریس است؛ زیرا غیر از اینها کسی به «آل جمّاز» معروف نیست (عشائر کربلاء و آسرها، جلد اول، مقدمه، ص ۷) و سلمان هادی آل طعمه در معرفی افراد بارز خاندان «آل ثابت» گوید: «سید سلطان کمال الدین جدّ اعلای «آل ثابت» نقیب النقبای عراق در سال ۹۵۷ قمری بوده است». (عشائر کربلاء و آسرها، ۴۱/۱).

با توجه به تاریخی که در سند ذکر شده (۸۹۵ قمری) و تاریخی که آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام ذکر کرده (۹۰۲ قمری) یک تن از آل ثابت به نام سید سلطان کمال الدین یا کمال الدین بن ثابت، تولیت این آستانه را به عهده داشته است و آن سید سلطان کمال الدین که در سال ۹۵۷ قمری نقیب النقبای عراق بوده، شخصی دیگری است غیر از جدّ اعلای خاندان «آل ثابت».

نسب سید حسین بن ناصر هم به این صورت است: سید حسین بن ناصر بن نعمت الله بن ثابت بن سلطان کمال الدین که در منابع راجع به وی، که در ۱۱۱۲ قمری و فرزندش سید محمد بن سید حسین که در سنه ۱۱۸۰ قمری، تولیت داشته‌اند، مطلبی نیافتم.

۲/۴. السید حسین بن ناصر بن ثابت ثالث بن نعمة اللہ بن ثابت ثانی مذکور، در سنه ۱۱۱۲ [ق] متولی حرم عباسی بوده [است].

۲/۵. السید محمد بن سید حسین مذکور، در سنه ۱۱۸۰ [ق] متولی حرم عباسی بوده [است].

۲/۶. السید حسین بن سید سعید،<sup>۱</sup> پس از پدر متولی الحرم شده، بعداً عزل شده، مهاجرت به خراسان نموده و در آنجا مقیم شد و مدتی نائب التولیة ارض اقدس [رضوی] شده و از ایشان اعقابی به یادگار می باشد:

۲/۶/۱. آقا سید علی مؤید التولیة که مدتی وکیل خراسان در پارلمان بوده [است].

۲/۶/۲. آقا سید عباس، صاحب اختیار حرم رضوی علیه السلام.

۱. سید حسین بن سید سعید بن سلطان بن ثابت بن درویش بن محمد بن حسین بن ناصر بن نعمت اللہ بن ثابت بن سید سلطان کمال الدین آل ثابت معروف به «نائب التولیة». او در سنین نوجوانی و صغر سن به سدان و تولیت روضه عباسی علیه السلام رسید؛ از این رو سید حسین بن سید محمد علی از آل ضیاء الدین، به نیابت از وی امور مربوط به تولیت را انجام می داد، تا اینکه ناصر الدین شاه قاجار، در سال ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۷ ق برای زیارت عتبات عالیات، وارد کربلای معلّی شد و به درخواست او سید حسین بن سید سعید آل ثابت از مقام تولیت برکنار گردید و سید حسین بن سید محمد علی آل ضیاء الدین به جای وی به این سمت منصوب گردید و از طرف دربار عثمانی فرمان تولیت به نام او صادر شد.

سید حسین نائب التولیة آل ثابت که از کار و تولیت برکنار شده بود، به آستانه - پایتخت خلافت عثمانی - رفت تا حقوق خویش را استیفا کند؛ اما با بی اعتنایی دربار عثمانی مواجه شد و از همان جا عازم ایران گردید و به دربار ناصر الدین شاه رفت و آنقدر کوشید تا نظر شاه را به خویش معطوف ساخت و ناصر الدین شاه او را به عنوان تولیت یا نائب التولیة آستان قدس رضوی علیه السلام منصوب نمود. این انتصاب در آغاز سده چهاردهم هجری، در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ قمری بوده است؛ زیرا ناصر الدین شاه در سال ۱۳۱۳ قمری کشته شده است. از آن پس وی و فرزندان و برخی از خاندانش در مشهد مقدس سکونت کردند و بعضی از اعقاب او مانند: آقا سید علی مؤید التولیة، مدتی وکیل و نماینده خراسان در پارلمان ایران شد و آقا سید عباس، صاحب اختیار حرم مقدس رضوی علیه السلام گردید و سید سعید نائب التولیة حرم رضوی علیه السلام شد.

مطلبی که راجع به انتصار سید حسین بن سید محمد علی آل ضیاء الدین در سال ۱۲۸۱ و یا ۱۲۸۲ قمری، به عنوان تولیت آستانه مقدسه عباسی علیه السلام در منابع نوشته شده، با توجه به اینکه در سال ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۷ قمری تولیت به عهده سید حسین بن سید سعید آل ثابت بوده، نمی تواند دقیق باشد؛ مگر اینکه بگوییم نیابت وی از سید حسین بن سید سعید، به خاطر جوانی و صغر سنش در سال ۱۲۸۱ یا ۱۲۸۲ قمری نیز، به حساب تولیت وی گرفته شده است: کربلا فی التاريخ، ۸۸۳-۸۹؛ عشائر کربلاء و أسرها، ۴۲/۱، ۱۳۶؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیه السلام، ص ۳۰۹؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۳، ۱۸۵.

۲/۶/۳. سید سعید، نائب التولية حرم رضوی علیه السلام.<sup>۱</sup>

۳. و از خاندان «آل ضیاء الدین»،<sup>۲</sup> کسانی که نائل تولیت شدند:

۳/۱. السید حسین بن محمدعلی بن مصطفی بن ضیاء الدین بن یحیی بن طعمة الموسوی،<sup>۳</sup>

۱. افراد دیگری از خاندان «آل ثابت» که به تولیت و سدانیت روضه مقدسه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در آغاز ربع دوم از نیمه قرن سیزدهم هجری، دست یافته‌اند، عبارتند از:

الف. سید محمدعلی بن درویش بن محمد بن حسین بن ناصر بن نعمت‌الله بن ثابت بن سلطان کمال‌الدین که در سال ۱۲۲۵ تا ۱۲۲۹ قمری تولیت داشته است.

ب. سید ثابت بن سید درویش بن محمد بن حسین آل ثابت، از ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۸ قمری تولیت داشته است.

ج. سید سعید بن سید سلطان بن ثابت بن درویش بن محمد بن حسین بن ناصر آل ثابت که در سال ۱۲۵۸ قمری، وفات یافته است.

برخی از شخصیت‌های معروف این خاندان را به این شرح، به اختصار نام می‌برم:

یک. سید جعفر بن حسین بن محمدعلی بن درویش آل ثابت که در محاکم قضایی عضویت داشته و در هفتم شوال ۱۳۴۳ ق/ ۱۹۲۴ م، دیده از جهان فرو بسته است.

دو. سید محمد صادق بن سید جعفر بن حسین آل ثابت که در ۱۲۸۶ ق/ ۱۸۶۹ م چشم به جهان گشوده است و در ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۰۱ م، حزبی با جمعی از دوستانش به نام «حزب المعالفه» تأسیس کرد؛ ولی با مخالفت شدید حکومت عثمانی مواجه و دفاتر این حزب تعطیل گردید و همه اعضای حزب دستگیر شدند، اما خود سید محمد صادق نجات یافت و در دادگاه موصل بی‌گناه شناخته شد و در ۱۳۲۸ قمری کرسی نمایندگی را در مجلس ولایتی بغداد به دست آورد و بالاخره در ۱۳۳۵ قمری در زمین‌های «حزم» در مسیب، ترور شد.

سه. سید کمال‌الدین بن سید جعفر بن حسین آل ثابت که در هفتم رجب ۱۳۴۷ قمری، درگذشت.

چهار. سید محمدعلی بن سید جعفر بن حسین آل ثابت که رهبری خاندان آل ثابت را به عهده داشت و در ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۷۵ درگذشت.

پنج. سید محمدحسن بن سید جعفر بن حسین آل ثابت که در هنگام مرگ نود و چند سال عمر داشت.

شش. سید محمد سعید بن سید محمدعلی بن سید جعفر آل ثابت که دارای کتابخانه‌ای شامل کتاب‌های خطی و چاپی بوده است: *عشائر کربلاء و اسرها*، ۴۱/۱ - ۴۳؛ *مدینه الحسین*، ۸۷/۱؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۸۴ - ۱۸۵؛ *البيوتات العلوية فی کربلاء*، ۱۸/۲؛ *خزائن کربلاء الحاضرة*، ص ۲۰؛ *تاریخ مرقد الحسین والعباس علیه السلام*، ص ۳۰۸ - ۳۰۹؛ *کربلاء فی التاريخ*، ۸۷/۳ - ۸۸.

۲. سید ضیاء‌الدین نقیب الاشراف بن سید یحیی نقیب الاشراف بن شرف‌الدین بن طعمه کمال‌الدین اول از آل فائز، سرسلسله خاندان «آل ضیاء الدین». وی در سال ۱۰۳۱ قمری به نقابت حائر حسینی رسید:

موارد الاتحاف فی نقباء الاشراف، ۱۵۱/۱؛ *البيوتات العلوية فی کربلاء*، ۳۳/۱؛ *عشائر کربلاء و اسرها*، ۱۳۵/۱.

۳. سید حسین بن محمدعلی بن مصطفی بن محمد بن شرف‌الدین بن ضیاء‌الدین بن یحیی نقیب الاشراف آل ضیاء‌الدین. وی از سال ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۸ قمری تولیت حرم عباسی علیه السلام را به عهده داشته است. چنان که پیش از این در شرح حال سید حسین بن سید سعید آل ثابت اشاره شد، از آن‌جا که سید حسین بن سید سعید آل ثابت در نوجوانی و صغر سن به تولیت رسیده بود، سید حسین بن محمدعلی آل ضیاء‌الدین به عنوان نایب التولیه عهده‌دار وظایف وی شد تا اینکه در سال ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۷ قمری به خواست ناصرالدین شاه قاجار، سید حسین آل ثابت بر کنار و سید حسین آل ضیاء‌الدین به تولیت منصوب شد. بر این اساس وی دقیقاً و به

متولی حرم عباسی بوده [است].

۳/۲. السید مصطفی پسر سید حسین<sup>۱</sup> مذکور، پس از پدر متولی الحرم بوده [است].

۳/۳. السید مرتضی پسر سید مصطفی، پس از پدر متولی شده در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۵۷ وفات یافت و در سرداب مقدس حضرت ابی الفضل دفن شد و بسیار سید جلیلی بود و از جمله مفاخر و اشراف عراق عرب محسوب می شد.<sup>۲</sup>

۳/۴. السید محمد حسن پسر سید مرتضی، متولی فعلی حرم ابی الفضل می باشد و بسیار سید بزرگوار شریفی است - حفظه الله - در نظم آستانه جدیت تمام دارد.

آنچه در نظر حقیر است از سادات عالی درجات که تولیت داشتند، عرض شد<sup>۳</sup>

→ صورت مستقل در سال ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۷ قمری تولیت یافت و تا سال ۱۲۸۸ قمری ادامه داشت: عشائر کربلاء و آسرها، ۱/۱۳۶؛ کربلاء فی التاریخ، ۳/۸۹؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهما السلام، ص ۳۰۹؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۳؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۱/۴۳؛ مدینه الحسین، ص ۸۹؛ قمر بنی هاشم، ص ۱۳۱؛ جامع الانساب، ص ۴۳.

۱. سید مصطفی بن سید حسین آل ضیاء الدین. پس از وفات پدرش در سال ۱۲۸۸ قمری، تولیت حرم عباسی علیهما السلام را به عهده گرفت و در سال ۱۲۹۷ قمری دیده از جهان فرو بست: کربلاء فی التاریخ، ۳/۸۹؛ عشائر کربلاء و آسرها، ۱/۱۳۶؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهما السلام، ص ۳۰۹؛ مدینه الحسین علیهما السلام، ص ۸۹؛ قمر بنی هاشم، ص ۱۲۳؛ جامع الانساب، ص ۶۳؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۱/۴۳؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۳.

۲. سید مرتضی بن سید مصطفی بن سید حسین آل ضیاء الدین. وی در سال ۱۲۹۸ قمری در سن دوازده سالگی، عهده دار تولیت حرم عباسی<sup>۷</sup> شد و چون هنوز نوجوان و صغیر بود. سید محمد مهدی بن محمد کاظم آل طعمه، متولی انجام وظائف او شد و چون خبر نوجوانی وی به والی بغداد رسید و نزد وی سعایت کردند که او نوجوان است و نمی تواند عهده دار این منصب باشد، از این رو والی بغداد به کربلا آمد و از نزدیک توانایی و قدرت وی را امتحان کرد. سپس سید محمد مهدی بن محمد کاظم آل طعمه را برکنار نمود و سید مرتضی را به عنوان تولیت به رسمیت شناخت و فرمان تولیت از طرف دربار عباسی، به نام او صادر شد و سید عباس آل ضیاء الدین به مدت ده سال به انجام وظائف وی می پرداخت تا اینکه خود مستقلاً عهده دار این مقام شد. او بعدها به تأسیس کتابخانه ای شامل کتاب های نفیس، در جهت غربی روضه عباسی علیهما السلام پرداخت؛ ولی دیری نپایید که در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۵۷ دیده از جهان فرو بست: مدینه الحسین، ۱/۸۹ - ۹۰؛ عشائر کربلاء و آسرها، ۱/۱۳۶؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۳ - ۱۸۴؛ کربلاء فی التاریخ، ۳/۸۹ - ۹۱؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهما السلام، ص ۳۱۰؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۱/۴۳ - ۴۴؛ قمر بنی هاشم، ص ۱۳۲؛ جامع الانساب، ص ۱۶۳.

۳. سید محمد حسن بن سید مرتضی بن سید مصطفی بن سید حسین آل ضیاء الدین. وی رهبری برجسته و از مشهورترین شخصیت های کربلا در اخلاق، شهامت، شجاعت و کرم بوده است و مردم او را به خاطر منزلت والا و شئوناتی که داشت، بسیار دوست داشتند. وی پس از وفات پدرش در ۱۳۵۷ قمری، به عنوان متولی آستانه حضرت ابوالفضل علیهما السلام انتخاب شد و در این دوران بود که در شورش تشرین ۱۹۵۲، پلیس را از ورود به حرم حضرت عباس علیهما السلام منع کرد و در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ میلادی چشم از جهان فرو بست. در چهل و او مجلس ختمی برپا شد که تا آن روز در کربلا مانند آن دیده نشده بود و شاعران و ادیبان در سوگ او قصاید زیادی سرودند.

بدرالدین، شمس الدین، صفا، معز و صلاح از فرزندان او هستند. از اینکه آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیهما السلام

و عدهای هم از غیر سادات تولیت داشته‌اند، از قبیل شیخ ابن خازن اسدی<sup>۱</sup> و از

→ نوشته‌اند که متولی فعلی حرم ابی الفضل علیه السلام می‌باشد، معلوم می‌شود که این مطالب را ایشان پیش از سال ۱۳۷۲ قمری نوشته است و آن زمان در ایران و قم بوده است: *عشائر کربلاء و آسرها*، ۱/۱۳۶-۱۳۷؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۸۴؛ *کربلاء فی التاریخ*، ۳/۹۱؛ *البيوتات العلوية فی کربلاء*، ۱/۴۴؛ *تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام*، ص ۳۱۰-۳۱۱. به جز اشخاصی که آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام نوشته‌اند، دست‌کم دو نفر دیگر از این خاندان نیز، به تولیت حرم عباسی علیه السلام دست یافته‌اند که عبارتند از:

یک. سید بدرالدین بن سید محمد حسن بن سید مرتضی بن سید مصطفی بن سید حسین آل ضیاء الدین که در سال ۱۳۷۲ قمری، پس از وفات پدرش به عنوان تولیت انتخاب شد و تا سال ۱۳۸۵ قمری، در این سمت باقی بود و سپس برکنار گردید و روز پنجشنبه چهارم شوال ۱۴۰۶ چشم از جهان فرو بست و رخ در نقاب خاک کشید: *تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام*، ص ۳۱۱؛ *البيوتات العلوية فی کربلاء*، ۱/۴۴؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۸۴؛ *عشائر کربلاء و آسرها*، ۱/۱۳۷.

دو. سید حسن بن سید صافی آل ضیاء الدین که پس از برکناری سید بدرالدین بن سید محمد حسن آل ضیاء الدین به عنوان وکیل در اداره شئون حرم مطهر عباسی علیه السلام انجام وظیفه کرد و این وکالت تا سال ۱۴۰۲ قمری، ادامه یافت.

سه. سید محمد حسین بن سید مهدی بن سید احمد آل ضیاء الدین که از سال ۱۴۰۲ قمری برابر با ۱۹۸۲/۲/۲۱ میلادی، تولیت آستانه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را به عهده گرفت و تا سال ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م، با حزم و اقتدار در این سمت باقی بود و پس از وی این تولیت به عهده سید مهدی بن سید فاضل غرابی از عشیره غرابات اهل شهر هندیه - به موجب دستور وزارتی - گذاشته شد: *عشائر کربلاء و آسرها*، ۱/۱۳۷؛ *تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام*، ص ۳۱۱.

۱. در اوایل سده هشتم هجری، بر اثر مناقشاتی و منازعاتی که بین دو قبیله معروف علوی ساکن کربلاء، یعنی «آل فائز» و «آل زحیک» پیش آمد و قبلاً به تفصیل اشاره شد، علامه شیخ اجل زین الدین ابوالحسن علی بن حسن بن علی حائری اسدی، معروف به «ابن خازن»، عالم فاضل و فقیه کامل و از شاگردان شهید اول (درگذشته ۷۸۶ ق) و علامه ابن فهد حلّی (درگذشته ۸۴۱ ق) و مجاز از وی از اعلام سده هشتم هجری، ظاهراً حدود ۷۵۶ قمری و یا پس از آن، تولیت آستانه‌های حضرت امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهم السلام را به عهده گرفت و پس از اینکه صلح و آرامش بین دو قبیله علوی حاکم شد و اوضاع به صورت عادی برگشت، تولیت حرم حسینی علیه السلام به «آل فائز» و سادات حرم عباسی علیهم السلام را به «آل زحیک» در اواخر سده نهم هجری و در عهد حکومت جلائریان واگذار گردید. سال تولد و وفات وی معلوم نیست؛ ولی در بعضی نسخ خطی سال وفات او را ۷۹۳ قمری نوشته‌اند: *مدینه الحسین*، ص ۱۳۷-۱۳۹؛ *کربلاء فی التاریخ*، ۳/۶۶، ۷۶؛ *هدیه الاحباب*، ص ۵۷؛ *ریحانة الادب*، ۷/۴۹۲؛ *تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام*، ص ۲۱۹.

جز ابن خازن چند تن دیگر از خاندان و عشیره بنی‌اسد در خلال سده دهم هجری، به تولیت آستانه‌های امام حسین و حضرت عباس علیهم السلام رسیده‌اند که عبارتند از:

یکم. شمس الدین بن شجاع قاضی حائری اسدی که دارای شهرت زیاد و مکانت علمی فراوان در اصول یا در فروع بود و از شیخ زین الدین شهید ثانی، اجازه روایی دریافت کرده بود و پیش از شوال ۹۶۳، تولیت روضه‌های حسینی و عباسی علیهم السلام را به عهده گرفت و تا پس از سال ۹۹۰ قمری به عنوان متولی و خازن باقی ماند و خاندان «شمس الدین حائری اسدی» به او منسوب بوده‌اند؛ ولی اکنون از این خاندان کسی باقی نیست: *کربلاء فی التاریخ*، ۳/۷۶؛ *تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم السلام*، ص ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۱؛ *تاریخ العراق*

خانوادهٔ کمونه<sup>۱</sup> چند نفر.

### خاندان‌های خدمتگزار در حرمین حسینی و عباسی علیهم‌السلام

از جمله امور لازم الذکر این است که در آستان قدس حسینی علیهم‌السلام و عباسی علیهم‌السلام چند خانواده خدمت دارند که به قرار ذیل [است]: آل ضیاءالدین<sup>۲</sup>،

- بین احتلالین، ۱۲۷/۴؛ الاسر الحاکم ورجال الادارة والقضاء فی العراق، ص ۳۶۴؛ مدینه الحسین، ۷۶/۱.
- دوم. جعفر بن شمس الدّین الحائری که در سال ۱۰۲۵ قمری تولیت داشته و خازن حرمین بوده است: تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم‌السلام، ص ۲۱۰؛ کربلاء فی التاریخ، ۷۶/۳.
- سوم. ابراهیم شمس الدّین حائری که پیش از ۱۰۷۵ تا پس از ۱۱۰۶ قمری، عهده‌دار سدانّت و تولیت و خزانه‌داری حرمین بوده است: تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم‌السلام، ص ۲۱۰؛ کربلاء فی التاریخ، ۷۶/۳.
۱. آل کمّونه نیز خاندانی است که منتسب به قبیلهٔ «بنی‌اسد» و از شاخهٔ «آل‌مراد» می‌باشد و در اوایل سدهٔ دوازدهم هجری از کوفه مهاجرت کرده و در محلهٔ «آل‌عیسی» یکی از محله‌های کربلا که اکنون به محله «مخیم» معروف است، سکونت کرده‌اند و هم‌اکنون خانه‌ها و دیوانیه‌های آنان در بازار زینبیه نزدیک صحن حسینی پابرجاست. اولین شخص از این خاندان که به کربلا مهاجرت کرد، شیخ عیسی بود که از قبیلهٔ آل‌مراد از قبائل معروف ساکن نجف به شمار می‌رفت و خود مدعی انتساب به «بنی‌اسد» هستند. چند تن از این خاندان به تولیت و سدانّت آستانهٔ حسینی رسیدند که عبارتند از:
- یک. حاج شیخ مهدی کمونه بن محمد بن ابراهیم بن شیخ عیسی که در سال ۱۲۵۸ قمری - به امر نجیب پاشا - تولیت آستانهٔ حسینی علیهم‌السلام را به دست گرفت و تا سال ۱۲۷۲ قمری، در این سمت باقی ماند. وی پس از واقعهٔ نجیب پاشا و فتنهٔ او در کربلا - که منجر به فرار سید عبدالوهاب بن سید محمدعلی آل‌طعمه از کربلا در سال ۱۲۵۸ یا ۱۲۵۹ ق / ۱۸۴۱ یا ۱۸۴۲ م شد - به تولیت برگزیده شد: عشائر کربلاء، ۱۴۳/۱ - ۱۴۴؛ الاسر العلمیه فی کربلاء، ص ۲۷؛ تراث کربلاء، ص ۱۹۴ - ۱۹۵؛ کربلاء فی التاریخ، ۸۱/۳ - ۸۲؛ مجالی اللطف بارض الطف، ص ۷۲ - ۷۳؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم‌السلام، ص ۲۱۲؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۲۶/۱ - ۲۷.
- دو. میرزا حسن بن محمد بن ابراهیم بن شیخ عیسی، برادر حاج شیخ مهدی کمونه که در سال ۱۲۷۲ قمری تولیت را به عهده گرفت و در سال ۱۲۹۲ قمری درگذشت و بار دیگر سدانّت به آل‌طعمه رسید: کربلاء فی التاریخ، ۸۲/۳؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهم‌السلام، ص ۲۱۲؛ عشائر کربلاء، ۱۴۴/۱، ۵۲۸؛ الاسر العلمیه فی کربلاء، ص ۲۷؛ تراث کربلاء، ص ۱۹۵؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۲۷/۱.
۲. آل ضیاءالدّین خاندانی است قدیمی از علویان که صاحب منزلت والا و موقعیت ممتازند و ریشه در خاندان اهل بیت علیهم‌السلام دارد و از قبیلهٔ «آل‌فانز» منشعب شده است و به عنوان تیمن و تبرک به جدّاعلای خود سید ضیاءالدّین بن یحیی بن سید شرف‌الدّین بن طعمه کمال‌الدّین اول بن ابی جعفر یحیی بن محمد بن احمد بن ابی‌الفانز محمد موسوی منسوب هستند و املاکی در «شفانّه» عین‌التمر دارند که در منطقهٔ «ام‌ریله» قرار دارد و در کربلا نیز، اراضی معروف به «بستان رضوی» از آن این خاندان است که وقف بر آستانهٔ حضرت اباعبدالله الحسین علیهم‌السلام است. از این خاندان چندین نفر جزو خدمه و متولیان آستان حضرت ابوالفضل علیهم‌السلام بوده‌اند که نخستین نفر از آنان که بسیار هم معروف است، خود سید ضیاءالدّین نقیب‌الاشراف بن سید یحیی نقیب‌الاشراف است که در سال ۱۰۳۱ قمری، نقابت حائر شریف را داشته است. به سایر افراد این خاندان که تولیت نیز داشته‌اند، پیش از این اشاره شد: عشائر کربلاء و اسرها، ۱۳۴/۱ - ۱۳۵؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۳؛ البيوتات العلویة فی کربلاء، ۱۴/۱، ۲۶، ۴۳ - ۴۴، ۵۵ - ۵۶.

آل التاجر<sup>۱</sup>، آل قفطون<sup>۲</sup>، آل طعمه<sup>۳</sup>، آل ثابت<sup>۴</sup>، آل زینی<sup>۵</sup>، آل النقیب<sup>۶</sup>، آل مصلاویه<sup>۷</sup>،

۱. آل تاجر، طایفه‌ای از سادات علوی هستند که از جایگاه رفیع و مقام و افتخارات فراوانی برخوردارند و همیشه در حرمین حسینی و عباسی علیهما السلام، افتخار خدمتگزاری داشته‌اند. این طایفه نیز از قبیله معروف «آل فائز» منشعب شده‌اند و از سلاله سید حسن بن علی بن ابی‌الحسن بن علی بن حسن بن حسین بن عیسی بن موسی بن جعفر بن طعمه‌الثانی بن شرف‌الدین بن طعمه کمال‌الدین اول فائز موسوی، به شمار می‌روند. و سید علی آل تاجر نیای بزرگ این خاندان در سال ۱۰۹۱ قمری زنده بوده است و سید حسن بن علی بن ابی‌الحسن بن علی نیای بزرگتر این خاندان کسی است که بوستان‌های معروف به «هیابی» در منطقه‌ای به همین نام و بوستان‌های «ام‌السودان» واقع در محله آل فائز در کربلا از وقفیات اوست. شاخه‌ای از این خاندان یعنی ذریه سید محمود بن احمد بن عزیز بن کاظم بن علی بن حسن آل تاجر، در بغداد اقامت دارند: *البيوتات العلوية في كربلاء*، ۲۷/۱؛ *تراث كربلاء*، ص ۱۸۷؛ *عشائر کربلاء و آسرها*، ۳۴/۱-۳۵؛ *معجم قبائل العرب*، ۴۱/۴.

۲. آل قفطون که به «بیت القاری» یا «القاری» و «آل فتح‌الله» نیز معروف هستند، یکی دیگر از خاندان‌های بزرگ و جلیل علوی هستند که نسبشان به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد و شخصیت‌های برجسته و مشهوری از میان این خاندان برخاسته‌اند که به شریعت نبوی خدمات گرانبهایی کرده‌اند و به وعظ و ارشاد خطابه اشتغال داشته‌اند. از افراد برجسته این خاندان سید صالح بن سید مهدی قفطون است که امضای وی در سند فروش خانه‌ای در محله آل عیسی مربوط به سال ۱۲۸۴ قمری موجود است و یکی دیگر از افراد برجسته آن خاندان سید هاشم بن سید محمد بن سید هاشم بن ناصر بن فتح‌الله قاری آل قفطون (۱۲۸۵-۱۳۵۰ ق) خطیب نامور این خاندان است و همچنین فرزند او سید کاظم بن سید هاشم قاری (۱۳۴۰-۱۴۰۹ ق) یکی دیگر از خطبای معروف خاندان «آل قفطون» و «قاری» است: *عشائر کربلاء و آسرها*، ۱۸۰/۱-۱۸۱؛ *خطباء المنبر الحسيني، مرجانی*، ۴۴/۵، ۱۱۰؛ *معجم خطباء کربلاء*، ص ۱۴۴-۱۴۵، ۱۷۷-۱۷۸، ۲۳۵-۲۳۶ که در آن، برخی از خطبای این خاندان معرفی شده‌اند؛ *کربلاء فی التاريخ*، ۶۸/۳.

۳. آل طعمه، از قدیمی‌ترین خاندان‌های سادات علوی است که از «آل فائز» منشعب شده‌اند و نسب به سید طعمه الثالث بن علم‌الدین بن طعمه‌الثانی بن شرف‌الدین بن طعمه کمال‌الدین اول از قبیله «آل فائز» موسوی می‌برند که سلسله نسبشان به سید ابراهیم مجاب بن محمد عابد بن امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد و در واقع سید طعمه ثالث جد بزرگ این خاندان است که به فرزندان و ذریه وی «آل طعمه» گفته می‌شود و آنان ساداتی بوده و هستند که از میان آنان علما، خطبا، ادبا، نقبا و نویسندگان بسیاری برخاسته‌اند و شمار زیادی از افراد بزرگ این خاندان از دیرباز تولیت و سدانته‌های امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام را به عهده داشته و دارند و در کربلاء و شفائه (عین التمر) صاحب املاک، باغ‌ها و بوستان‌ها و اراضی فراوانی هستند. سید طعمه ثالث خود نیز، عالمی جلیل‌القدر بوده که نام وی در وقفیه «فدان الساده» آمده است که وی بر اولاد خویش در ۱۰۲۵ قمری، وقف کرده است: *البيوتات العلوية في كربلاء*، ۱۸۱/۱-۲۳، ۴۸-۵۱؛ *دائرة المعارف اعلمی*، ص ۲۴۵؛ *دراسات ادبية*، ۱۰۴/۲؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۴۵-۱۴۷؛ *طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)*، ۱۰۴/۲؛ *عشائر کربلاء و آسرها*، ۱۴۱/۱-۱۵۵؛ *مناهل الصرب في انساب العرب*، ص ۵۶۵ (خطی)؛ *حضارة العراق*، ۱۳۱/۱۰؛ *کربلاء فی التاريخ*، ۶۷/۳، ۷۷-۷۸-۸۵؛ *تاريخ الحركة العلمية في كربلاء*، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ *الاسر العلمية في كربلاء*، ص ۴-۵.

۴. آل ثابت نیز، یکی از خاندان‌های قدیمی ساکن کربلاست که از قبیله «آل زحیک» علوی، منشعب شده‌اند و سلسله نسبشان منتهی می‌شود به سید ابراهیم مرتضی اصغر بن امام موسی کاظم علیهما السلام و آل ثابت منسوب به سید سلطان کمال‌الدین نقیب‌النقبای عراق در سال ۹۵۷ قمری هستند که جد اعلای آنان سید ثابت بن سلطان کمال‌الدین فرزند اوست و به همین جهت به «آل ثابت» شهرت یافته‌اند و شماری از شخصیت‌های این خاندان

آل وهاب<sup>۱</sup>، آل دَدَه<sup>۲</sup>، اینها همه از سادات هستند، آل قندیل<sup>۳</sup> که اصلشان از جبل عامل

→ تولیت آستانه حضرت ابو الفضل علیه السلام را به عهده داشته‌اند: عشائر کربلاء و آسرها، ۴۱/۱؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۴ -

۱۸۵؛ قمر بنی هاشم، ص ۱۳۱ به بعد؛ مدینه الحسین، ۸۷/۱؛ البیوتات العلویة فی کربلاء، ۱۸/۲.

۵. آل زینی یکی دیگر از سادات علوی است که سلسله نسبشان به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد و از دیرباز در عراق و در شهرهای نجف، کربلا و بغداد سکونت داشته‌اند و از ذریه سید زین الدین بن سیف الدین هستند و از این رو به «آل زینی» شهرت یافته‌اند و حدود دویست سال قبل سید احمد بن سید زین الدین به کربلا مهاجرت کرد و در سلک خدام روضه‌های امام حسین و حضرت عباس علیهم السلام درآمدند: کربلاء فی التاریخ، ۷۱/۳.

۶. آل نقیب که در گذشته به «آل درّاج» نیز، شهرت داشته‌اند، از خاندان‌های شریف و صاحب مجد و از رؤسای کربلا بوده‌اند، شاخه‌ای از قبیله «آل زحیک» و از خاندان‌های علوی کربلا به شمار می‌روند که از دیرباز، نقابت و خدمتگزاری حرمین حسینی و عباسی علیهم السلام را به عهده داشته‌اند و چون نیای بزرگ این خاندان سید محمد درّاج بن سلیمان بن سلطان کمال الدین از آل زحیک بوده است که تا سال ۱۱۸۷ قمری در این خاندان بوده است: کربلاء فی التاریخ، ۹۷/۳؛ عشائر کربلاء و آسرها، ۲۳۴/۱؛ البیوتات العلویة فی کربلاء، ۲۱/۲؛ مجالی اللطف بارض الطّف، ص ۷۳، ۷۴؛ تاریخ الحركة العلمیة فی کربلاء، ص ۲۲۰.

۷. آل مصلاویه، یا «آل مصلاوی» خاندانی قدیمی در کربلاست که نسبشان به قبیله «یسار طائی» متصل می‌شود و از موصل عراق به طرف جنوب سرازیر شدند و در مسیر خود بعضی از آنها در بغداد ساکن شدند و شماری از آنان به کربلا رفته و در آنجا مستقر شدند. آنان که در بغداد ماندند به «آل ثوینی» شهرت یافتند و آن عده از آنان که در کربلا سکونت کردند به «مصلاوی» ملقب و معروف شدند. تاریخ استقرار این خاندان در کربلا چنان که در افواه و میان سالخوردهگان رایج و شایع است به حدود سده یازدهم هجری باز می‌گردد. برخی از افراد این عشیره و قبیله، به شغل صنعت پنجره‌سازی روضه مطهر حضرت اباعبدالله علیه السلام مشغول بوده‌اند و پنجره فولادی قدیمی، ساخت افراد این خاندان است که به امر شاه عباس صفوی، در هنگام سفر به عتبات و کربلا در سال ۱۰۳۲ قمری ساخته‌اند. این نشان می‌دهد که این قبیله، پیش از این تاریخ در کربلا سکونت داشته‌اند و در محله‌های باب بغداد، باب السّلامه و باب الطاق، منزل و مأوا داشته‌اند و تاکنون نیز، در این محلات ساکن هستند. فرمانی موجود است که به موجب آن به این خاندان اجازه داده شده که مردگان خود را در صحن امام حسین علیه السلام در قسمت «باب قاضی الحاجات»، سمت راست کسانی که وارد حرم می‌شوند، دفن کنند: عشائر کربلاء و آسرها، ۵۶۱/۱ - ۵۶۳.

۸. دو خاندان به «آل وهاب» معروف بوده‌اند که ارتباطی با هم نداشته‌اند و اتفاقاً هر دو خاندان تولیت و سدانّت روضه‌های امام حسین و حضرت عباس علیهم السلام را داشته‌اند که عبارتند از:

الف. آل وهاب که خود شاخه‌ای از «آل طعمه» و منسوب به سید عبدالوهاب بن سید محمد علی کلیددار بن سید عباس نقیب الاشراف بن سید نعمت‌الله بن سید یحیی بن خلیفه بن نعمت‌الله بن طعمه علم‌الدین آل طعمه فائزی موسوی حائری هستند که بزرگ این خاندان چنان که اشاره شد، پس از مرگ پدرش سید محمد علی در حدود ۱۲۳۰ قمری، تولیت روضتین را به عهده گرفت و در ۱۲۴۱ قمری در فتنه مناخور مدتی برکنار شد و سپس به این مقام بازگشت تا در سال ۱۲۵۸ قمری که واقعه نجیب پاشا در کربلا بروز کرد و بار دیگر برکنار شد: کربلاء فی التاریخ، ۷۸/۳ - ۷۹، ۸۰؛ البیوتات العلویة فی کربلاء، ۵۱/۱؛ عشائر کربلاء و آسرها، ۲۴۶/۱؛ تراث کربلاء، ص ۱۷۷؛ الاسر العلمیة فی کربلاء، ص ۲۵.

ب. آل وهاب، خاندانی که از سلاله آل سید یوسف موسوی منشعب شده‌اند و امروزه به «آل وهاب» و «آل جلوخان» از بنی اعمام «آل زحیک» معروف هستند و با خاندان‌های «آل ثابت»؛ «آل درّاج نقیب»؛



→ «آل اشيقر»؛ «آل شامی» و «آل شهرستانی» بنی عم هستند. این خاندان در آغاز سده پنجم هجری در کربلا ساکن شدند. علت نامگذاری این خاندان به این نام را برخی چنین نوشته‌اند که برای تخلید و جاودانگی نام جدشان سید حسن و برادرانش سید حسین و سید محمد موسی در واقعه و هابیان در ۱۷ ذی حجه ۱۲۱۶ و حمله به کربلا و شهید شدن این سه تن در این حادثه، به این نام خوانده شده‌اند. سید محمد موسی بن سید محمد علی در این روز تولیت آستانه حسینی را داشت که در داخل حرم شهید شد: کربلاء فی التاریخ، ۷۸۳، ۷۹؛ الاسر العلمیة فی کربلاء، ص ۲۵ - ۲۷؛ عشائر کربلاء و أسرها، ۲۴۶/۱ - ۲۵۱؛ تراث کربلاء، ص ۱۷۷ - ۱۸۰؛ مجلة المرشد البغدادیة، ج ۱، مجلد اول، صفر ۱۳۴۵ / ایلول ۱۹۲۶.

۲. آل ذده از خاندان‌های قدیمی ساکن کربلا هستند و تاریخ پیدایی این خاندان در منابع، به این شرح آمده است: در اواسط سده هفتم هجری شخصی در نیشابور، به نام سید محمد موسی از سلالة ابراهیم مجاب بن محمد عابد بن امام موسی کاظم علیه السلام و طریقه‌ای در صوفیه اثنی عشریه غیر اصولی بنیان نهاد و پس از آن به ترکیه سفر کرد و در قریه «قیر شهر» سکونت نمود و ملقب به «حاج بکتاش» شد و طریقه او نیز «بکتاشیه» خوانده شد و خود او به خاطر اینکه مرجع اعلاى روحانی این طریقه بود، در ترکیه به لقب «ذده» یعنی رئیس بزرگ ملقب گردید و در نیمه قرن دهم هجری، رهبر دینی این طریقه به نام: «عبدالمؤمن ذده» از احفاد همان سید محمد موسی از «قیر شهر» به کربلا آمده و در کنار باب قبله صحن روضه حسینی علیه السلام مجاور شد؛ تا اینکه وفات نمود و در محلی که امروزه به عنوان «قبر مؤمن ذده» معروف است، به خاک سپرده شد و از آن تاریخ به بعد امور و شئون این طریقه در کربلا گسترش یافت و اقوام و افراد زیادی برای زیارت قبر عبدالمؤمن به کربلا سفر می‌کرده‌اند؛ از این رو برای افراد این طریقه، تکیه‌ای به نام «تکیه البکتاشیه» مقابل قبر وی بنیاد شده است. از عبدالمؤمن ذده، نسل و ذریه‌ای باقی نماند، از این رو شئون این فرقه را رئیس بزرگ بکتاشیه ترکیه، اداره می‌کرد، چنان که همه امور بکتاشیه در سراسر جهان اسلام نیز، به عهده رهبر بزرگ بکتاشیه ترکیه بود که وی را «بابا» می‌گفتند.

در اوایل سده سیزدهم هجری، رئیس و رهبر بزرگ بکتاشیه ترکیه، برای بکتاشیه کربلا شخصی را به عنوان رهبر و ذده انتخاب کرد که نامش سید احمد و از سلالة امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و او از آن پس متولی تکیه بکتاشیه در کربلا شد و او نیای بزرگ و چهارم خاندان «آل ذده» کنونی ساکن کربلاست. پس از او پسرش سید محمد تقی معروف به «درویش» در سلک خادمان روضه حسینی علیه السلام درآمد و از سوی دیگر متولی شئونات دراویش بکتاشیه در کربلا بود و اعقاب و بازماندگان وی اکنون نیز، جزو خدام روضه مبارکه هستند: کربلاء فی التاریخ، ۷۲۳ - ۷۳؛ عشائر کربلاء و أسرها، ۱۰۲/۱ - ۱۰۳؛ مدینه الحسین، ۷۳/۱، ۱۴۵ - ۱۵۰؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس علیهما السلام، ص ۱۷۱؛ تراث کربلاء، ص ۱۸۷.

۳. آل قندیل، خاندانی منشعب شده از قبیله بنی اسد که دارای مقام و موقعیت اجتماعی بالا و منزلت و جایگاهی والا در عراق و بویژه در کربلا بوده و هستند و از خادمان روضه‌های حسینی و عباسی علیهما السلام به شمار می‌روند. علت نامگذاری آنان به «آل قندیل» از آن روست که برخی از افراد این خاندان، متولی امر روشن کردن قندیل‌های روضتین بوده‌اند و سماوی در قصیده معروف خود درباره آنان گوید:

و آل قندیل الذی أضاء فی فضله اذ حلّ کربلاء

از میان این خاندان شخصیت‌های بزرگ علمی و فقهی برخاسته‌اند که از آن میان می‌توان به شیخ علی بن شیخ محمد قندیل فقیه، استاد شاعر برجسته، سید نصرالله فائزی حائری (مقتول در آستانه، ۱۱۵۸ ق / ۱۷۴۴ م) اشاره کرد. برخی از اعقاب این خاندان هم‌اکنون نیز متولی بعضی شئونات روضه مقدسه هستند: کربلاء فی التاریخ، ۶۹/۳؛ مدینه الحسین، ۶۹/۱؛ مجالی اللطف بارض اللطف، ص ۷۵؛ عشائر کربلاء و أسرها، ۵۰۴/۱ - ۵۰۵.

می‌باشد، آل‌زنگی<sup>۱</sup>، آل‌خلف<sup>۲</sup>، آل‌الشّماع<sup>۳</sup>. گویا فعلاً اسم شماع تبدیل شده به اسم دیگر؛ اینها از خدام غیرسادات هستند.

۱. آل‌زنگی، یکی از خاندان‌های معروف کربلاست که به امر تجارت و کشاورزی مشغول بوده‌اند. عباس عزای گوید: ایالت «زنک‌آباد» (زنگی‌آباد) که به نام «اولیاچلیبی» نامیده شده و چون «زنگی» خازن و خدام هارون الرشید آن را بنا کرده، به نام خود او معروف شده و به آن «زنگی‌آباد» یا «بلا‌یاء» گویند و از توابع آن ناحیه سعیدیه است و هنوز بعضی از آثار قدیمی آن مانند: «کوشک زنگی» باقی است؛ گرچه خود شهر از بین رفته است.

این خاندان مدعی نسبت به بنی‌اسد هستند و بعید نیست که از این خاندان باشند. برخی از آل‌زنگی در اراضی مشروب بین هندیه (طویریج) و اطراف کربلا زندگی می‌کنند. برخی معتقدند که این خاندان نسب به نورالدین زنگی می‌رسانند.

از رجال و شخصیت‌های آل‌زنگی در کربلا می‌توان به عزیز و ناصر از اولاد حسین بن علی زنگی اشاره کرد: *عشائر کربلاء و آسرها*، ۳۸۳/۱ - ۳۸۴؛ *تاریخ العراق بین احتلالین*، ۲۸۲/۴؛ *عشائر العراق*، ۵۲/۴.

۲. آل‌خلف از خاندان‌های علمی مشهور ساکن کربلاست که منسوب و منشعب از قبیله «زویع» است که در اواخر سده دوازدهم هجری در کربلا سکونت اختیار کردند و نیای بزرگ آنان شیخ خلف بن عسکر حائری زویعی است که در بیماری و بای فراگیری که در کربلا در سال ۱۲۴۶ ق / ۱۸۳۰ م روی داد، دیده از جهان فرو بست و به همین جهت این خاندان به «آل‌خلف» یا «آل شیخ خلف» شهرت یافتند. از مشاهیر این خاندان شیخ حسین بن شیخ خلف بن عسکر حائری (درگذشته ۱۳۴۶ ق / ۱۹۲۷ م) و شیخ عبدالحسین بن شیخ خلف بن عسکر حائری زویعی آل‌خلف هستند که هر دو عالم و صاحب فضل و ادب بوده‌اند: *عشائر کربلاء و آسرها*، ۳۵۵/۱ - ۳۵۶؛ *تراث کربلاء*، ص ۱۴۲؛ *طبقات اعلام الشیعة* (قرن الرابع عشر)، ۵۰۲/۲.

۳. آل‌شّماع خاندانی معروف‌اند که دارای مقام و موقعیت ممتاز و شهرت نیکویی بوده و هستند و از ایران به کربلا مهاجرت کرده و در آنجا سکونت نموده‌اند و از همان زمان شغل ایجاد روشنایی حرم مطهر و روضه منور عباسی علیه السلام را به عهده داشته‌اند و چون در آن زمان روشنایی حرم و گنبد و بارگاه به وسیله شمع انجام می‌گرفته، این خاندان به «آل‌شّماع» شهرت یافته‌اند. این خاندان پس از وصلت و مصاهرت خاندان «آل‌طعمه» در سلک خادمان آستانه عباسی علیه السلام درآمدند. از آثارشان بوستان معروفی است به نام «بوستان آل‌شّماع» که در نزدیکی مقام امام جعفر صادق علیه السلام قرار دارد. این خاندان به نام «آل‌کرکری» نیز، شهرت دارند. یکی از شخصیت‌های معروف این خاندان شیخ موسی بن سعود بن بشیر بن کاظم شّماع (درگذشته ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م) است که یکی از بازگوکنندگان حوادث تاریخ کربلا، مانند یک شاهد عینی است: *کربلاء فی التاریخ*، ۷۴/۳؛ *عشائر کربلاء و آسرها*، ۴۲۱/۱ - ۴۲۲.